

Analysis of China's behavioral pattern in comprehensive strategic partnerships

Arsalan Ghorbani Sheikhneshin*

Received: 2023/05/20

Hadi Torki**


Accepted: 2023/08/06

By the end of 2016, China has cooperated with about 78 countries and 5 regions in 24 types of partnerships. China has created effective networking through its partnerships. China's networking is aimed at advancing the Belt and Road, and one of the most important types of China's partnerships is the comprehensive strategic partnership model. The main question of the research has been, what was China's behavior pattern in comprehensive strategic partnerships? By describing, analyzing and examining the concept of partnership, the concept of ancient Chinese social philosophy of Confucius, the attitude of new Chinese leaders to partnership and examining some comprehensive strategic partnerships, the authors have reached the conclusion that the behavioral pattern of China's comprehensive strategic partnerships is currently economic, which can be caused by the internal needs of the destination countries that try to operationalize the Belt and Road super project and then this leads to the conclusion that it criticizes American unilateralism in thought and action and promotes a new model of order in which Peace and stability and a kind of win-win game for all parties. Of course, in this type of partnerships, according to the position of each country, a kind of selectivity of China can be witnessed. For example, the role and geopolitical position and the anti-hegemonic approach of I.R.Iran are important, or the UAE is the gateway for China to enter West Asia and North Africa in the belt - is the way Considering the excess production and the urgent need for energy in different parts of the world.

Keywords: China, Comprehensive strategic partnership, Convergence, Foreign policy, Islamic Republic of Iran, Neo-mercantilism, Networking, One belt-One road,.


* Professor of International Relations, Kharazmi University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author)

ghorbani@khu.ac.ir

 0000-0002-4005-1684

** Ph.D in International Relations from Kharazmi University, Tehran, I.R.Iran.

haditorki1366@yahoo.com

 0000-0002-6006-6349

تحلیل الگوی رفتاری چین در مشارکت‌های راهبردی جامع

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۳۰

ارسلان قربانی شیخ‌نشین*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵

هادی ترکی**

مقاله برای بازنگری به مدت ۲۰ روز نزد نویسندگان بوده است.


چکیده

چین از طریق مشارکت‌های خود شبکه‌سازی مؤثری ایجاد کرده است. شبکه‌سازی چین به‌منظور پیشبرد ابتکار «یک کمربند - یک راه» بوده و از جمله مهم‌ترین نوع مشارکت‌های چین، مشارکت راهبردی جامع می‌باشد. سؤال اصلی پژوهش این است که، الگوی رفتاری چین در مشارکت‌های راهبردی جامع چیست؟ نویسندگان با استفاده از نظریه مشارکت راهبردی جامع، و تحلیل مفهوم مشارکت در فلسفه اجتماعی چین باستان و رویکرد رهبران جدید چین به مشارکت؛ به این نتیجه رسیده‌اند که الگوی رفتاری چین بیش از هر چیزی، ماهیتی اقتصادی دارد که بر پایه نیاز داخلی چین و همچنین شرایط کشورهای مقصد، در قالب سه اصل تعریف شده است: منافع متقابل پایدار، همه‌جانبه‌گرایی، و شبکه‌سازی. تحقق عینی این راهبرد را می‌توان در طرح کلان ابتکار «یک کمربند - یک راه» ملاحظه نمود. البته در کنار ملاحظات اقتصادی، اهداف سیاسی‌ای همچون تعدیل یک‌جانبه‌گرایی آمریکایی نیز مدنظر است.

واژگان کلیدی: یک کمربند - یک راه، جمهوری اسلامی ایران، چین، سیاست خارجی، شبکه‌سازی، مشارکت راهبردی جامع، نئومرکانتیلیسم، همگرایی.


* استاد روابط بین الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

ghorbani@khu.ac.ir

 0000-0002-4005-1684

** دکترای روابط بین الملل از دانشگاه خوارزمی، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

haditorki1366@yahoo.com

 0000-0002-6006-6349

مقدمه

بیان مسئله: چین با بزرگ‌ترین طرح جهانی‌اش از نظر وسعت سرزمینی، حجم اقتصادی، دربرگیرندگی جمعیت، تنوع زبانی، فرهنگی و سیاسی و شرکت‌های چندمیلیتی، طرح «جاده ابریشم نوین» یا «یک کمربند - یک راه»^۱ را راه‌اندازی کرده که ۴/۵ میلیارد از جمعیت جهان و بالغ بر ۲۱ تریلیون دلار (بنا بر برخی منابع تا ۴۰ تریلیون دلار) از تولید ناخالص جهانی در راه‌های زمینی، دریایی و هوایی را دربرمی‌گیرد. این طرح بر مبنای واقعیت‌های اقتصادی و ژئوپلیتیک سازماندهی شده که کارشناسان چینی از آن با عنوان بازی برد - برد نام می‌برند. با این توضیح مشخص می‌شود که الگوی رفتاری چین نه تنها برای کشور ما بلکه عموم کشورها و سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان مسئله‌ای مهم و تأثیرگذار در روابط اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مطرح است؛ و به‌همین خاطر به‌عنوان مسئله اصلی نوشتار حاضر به آن پرداخته شده است.

اهمیت: شناسایی قالب‌های مشارکت چین به‌طور اعم و مشارکت راهبردی جامع به‌صورت اخص، دارای اهمیت راهبردی برای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. دلیل این امر آن است که شناخت دقیق و درست الگوی رفتاری چین می‌تواند باعث پیشگیری از طرح و یا اتخاذ سیاست‌هایی شود که ممکن است منافع ملی ایران را دچار مخاطره سازد.

ضرورت: عدم اهتمام لازم به شناخت الگوی رفتاری چین در دوره جدید، می‌تواند زمینه بروز خطا در فهم سیاست چین و نوع رفتار احتمالی این کشور در مواجهه با سایر قدرت‌های موجود را تقویت نماید و از این طریق سیاست خارجی ایران را در ارتباط با چین تضعیف نماید. براین اساس پژوهش حاضر دارای ضرورت راهبردی است و به سلامت سیاست‌های راهبردی آتی ایران کمک می‌نماید.

اهداف: تقویت رویکرد کارشناسی در زمینه شناخت و تحلیل سیاست خارجی چین و کمک به دستگاه تصمیم‌گیر، هدف اصلی این پژوهش است. دو هدف فرعی پژوهش نیز عبارت‌اند از: کمک به شناخت تفصیلی سیاست خارجی چین، و تقویت زمینه‌های همکاری‌های بین ایران و چین در چشم‌انداز آینده.

سؤال‌ها و فرضیه: پژوهش حاضر فرضیه‌آزما نبوده و سؤال‌محور است. پرسش اصلی

پژوهش آن است که: الگوی رفتاری چین در مشارکت‌های راهبردی جامع چیست؟ سؤال‌های فرعی نیز عبارت‌اند از: اصول حاکم بر مشارکت‌های راهبردی جامع کدامند؟ نتایج حاصل‌آمده از تجارب چین در عرصه عملیاتی‌سازی طرح مشارکت‌های راهبردی جامع چیست؟

روش: پژوهش حاضر از حیث نوع، کاربردی و از حیث رویکرد محققان، توصیفی - تحلیلی می‌باشد. برای گردآوری داده‌ها از روش اسنادی و برای تحلیل آنها از روش «نظریه مینا» (نظریه سه رکنی مشارکت راهبردی جامع که در بخش مبانی نظری معرفی شده) استفاده شده است.

۱. پیشینه پژوهش

درباره سیاست‌های مشارکتی چین و به‌ویژه «طرح کلان ابتکار یک کمربند - یک راه» و همچنین روابط ایران و چین، مقاله‌ها و کتاب‌های زیادی منتشر شده که در دو حوزه قابل بررسی است:

۱-۱. پیشینه موضوع در نشریه دانش سیاسی

موضوع الگوی رفتاری چین در مشارکت جامع راهبردی و سایر مشارکت‌های چین در نشریه دانش سیاسی بررسی نشده است؛ البته در این راستا می‌توان به مقاله‌های فلاحی و امید (۱۳۹۹) در حوزه روابط دوجانبه چین و ایران، جمشیدی و یزدان‌شناس (۱۳۹۹) در راستای راهبرد چرخش به آسیا و خیزش چین اشاره کرد که در هیچ‌کدام از آنها موضوع محوری «طرح ابتکار یک کمربند - یک راه» نمی‌باشد.

۲-۱. پیشینه موضوع در سایر منابع علمی

سایر منابع علمی نیز همانند نشریه دانش سیاسی به موضوع چین از دو منظر اصلی پرداخته‌اند:

الف. آثاری که به بررسی سیاست عملی چین و دیگر کشورها را پرداخته‌اند. در این آثار رویکرد اصلی معطوف به سیاست خارجی و یا روابط بین‌الملل است و بحث «طرح ابتکار یک کمربند - یک راه» یا مورد توجه نبوده و یا اینکه به‌صورت شاهد مثال

به آن اشاره رفته است؛ برای مثال براتی (۱۳۹۷) به بررسی سیاست خارجی چین در خاورمیانه پرداخته و به این نتیجه رسیده است که موقعیت چین در دهه‌های گذشته به طور عمده متأثر از رشد اقتصادی و بالتبع، توان نظامی و سیاسی اش بوده است. یوسفی (۱۳۹۶) نیز به بررسی روابط ایران و چین پرداخته و معتقد است که چین به منابع انرژی ایران نیاز دارد و همین امر روابط بین دو کشور را معنادار کرده است.

ب. آثاری که دارای رویکرد انتقادی هستند. در این خصوص می‌توان به آثاری اشاره داشت که به صرف تبیین سیاست‌های مشارکتی چین بسنده نکرده و افزون بر آن، بیشتر از منظر اقتصادی و سیاست بین‌الملل به نقد راهبرد مشارکت جویانه چین اقدام نموده و در نهایت توفیق‌ها و ناکامی‌های چین را تحلیل کرده‌اند (See Li & Ye, 2019).

بررسی تحلیلی پیشینه حاکی از آن است که عموم آثار بر پیامدهای ناشی از این مشارکت‌ها - مانند قدرت‌یابی و ظهور چین در نظام بین‌الملل، افول هژمونی آمریکا، تغییر ساختارهای نظم‌بخش در نظام بین‌الملل - تأکید دارند و بحث اهداف راهبردی چین کمتر مدنظر بوده است. همین موضوع دلالت بر نوآوری متن حاضر نیز دارد و می‌تواند تکمیل‌کننده‌ای در راستای چین‌شناسی در جامعه علمی ما باشد.

۲. مبانی مفهومی و نظری

بنیادهای مفهومی و نظری پژوهش حاضر بر سه رکن اصلی استوار شده است که عبارت‌اند از:

۲-۱. مشارکت

مفهوم مشارکت دارای تاریخچه طولانی و مبانی عمیقی در تاریخ تحول چین می‌باشد و به همین خاطر دلالت‌های خاصی در فرهنگ سیاسی این کشور دارد.

الف. تاریخچه: مشارکت دولت با دولت توسط چین ابداع نشده است. به دلیل روزهای سخت جنگ سرد، بسیاری از کشورها دریافتند که پیگیری امنیت از طریق همسویی می‌تواند پُرهزینه، پُرخطر و گاهی بی‌اثر باشد. در عوض، با توجه به ماهیت منعطف و غیرالزام‌آور آن، مشارکت به آنها اجازه می‌دهد تا از مزایای خاصی بهره ببرند؛ یعنی کمک‌های اقتصادی و امنیتی بدون خطرهای ناشی از دست‌دادن خودمختاری دولت‌ها

(Ciorciari, 2010, p. 9). در نتیجه، در طول دوره پس از جنگ سرد، مفهوم مشارکت به‌طور گسترده‌ای گسترش یافت و تعداد زیادی مشارکت بین کشورها ایجاد شد. این امر هم کشورهای در حال توسعه و هم قدرت‌های بزرگ را شامل می‌شد (Yue, 2018, p. 7). در این میان؛ چین کشوری است که از این واژه بیشترین بهره را برده است، به‌گونه‌ای که اساس اتحاد، پیمان و قراردادهای پکن در سیاست خارجی خود، مبتنی بر «مشارکت» به‌انحای مختلف است که نیاز به موشکافی این واژه است.

ب. **رویکرد چینی:** اگرچه سیاست‌های راهبردی چین توسط حزب کمونیست تدوین و اجرایی می‌شود، اما می‌توان برای برخی از این سیاست‌ها در فرهنگ و تمدن بومی چین نیز ریشه‌هایی سراغ گرفت. از جمله این موارد می‌توان به عبارت چینی *Huoban* (رابطه شریک) اشاره داشت که معنای گسترده‌تری نسبت به شراکت متعارف دارد. *Huoban* (شریک) از مقررات نظامی چین باستان سرچشمه می‌گیرد و به یک هم‌رمز اشاره می‌کند. فقط آن دسته از دوستان وفاداری که مایل به کمک در صورت لزوم، حتی به‌خطر افتادن جان خود هستند، واجد شرایط پذیرش و دوستی به‌عنوان *Huoban* هستند. *Guanxi* (رابطه) روابطی که افراد با دیگران ایجاد می‌کنند را توصیف می‌کند و بر اهمیت تعهدهای متقابل ضمنی، تعامل و اعتماد تأکید می‌کند. این‌ها به‌عنوان اصل اساسی در ارتباط با دیگران به شیوه‌ای سلسله‌مراتبی برای حفظ نظم اجتماعی خاص عمل می‌کنند. به‌طور خلاصه، *Guanxi* توسط افراد از طریق تعامل آنها با یکدیگر شکل می‌گیرد و این تعامل ناشی از یک نگرش جدی برای توسعه ارتباط خودشان هستند (Qin, 2016, pp. 19-28). به‌نوعی می‌توان گفت؛ دولت‌ها را نیز باید به‌عنوان افرادی با ابتکارهای ذهنی در نظر گرفت. به‌عبارتی از آنجایی که دولت‌ها در تأمین نیازهای خود دچار نقصان و کمبود هستند، دست به همکاری و مشارکت می‌زنند. در مجموع «مشارکت» از منظر چینی‌ها می‌تواند برای توصیف یک اتحاد (مانند مشارکت ترانس آنتلانتیک)، یک همکاری اقتصادی مشترک (قراردادهای مشارکت اقتصادی) یا حتی گاهی اوقات روابط بین رقبا باشد. براین‌اساس چین شرکای خود را نه‌تنها به‌عنوان «شریک» در معنای تجاری، بلکه به‌عنوان «دوست» می‌بیند و از طرف مقابل نیز انتظار دارد که روابط دوستانه مشابهی داشته باشد (Yue, 2018, p. 8).

۲-۲. همگرایی

همگرایی نیز همانند مشارکت دارای بار مفهومی و نظری تاریخ‌مندی است که لازم است متناسب با فرهنگ و شرایط چین فهم شود.

الف. تاریخچه: در نگاهی کلی می‌توان گفت علل همگرایی‌ها میان کشورها در طول تاریخ ناشی از حس نیاز در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و حفظ ارزش‌ها بوده است. از اواخر سده ۲۰ میلادی و دو دهه قرن ۲۱ نظام بین‌الملل با تحولات ساختاری در قطب‌بند قدرت‌ها شکل گرفت که نقش منطقه‌گرایی چشم‌گیرتر شد. این منطقه‌گرایی به‌ویژه از منظر اقتصادی شمایی جدی به خود گرفت و بیشتر منافع (با توجه به ثبات نسبی امنیت)، به سمت اقتصاد چرخش پیدا کرد. لذا مشاهده می‌شود که غالب همگرایی‌ها و روابط کشورها بر اساس اقتصاد و منطقه‌گرایی اقتصادی پدید می‌آیند. در این تجارب نیز نقش شرکت‌های بزرگ و چندملیتی برجسته می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر اتحاد کشورها به مانند سابق و در گرو پیمان‌های سفت‌وسخت میان دولت‌ها نیست، بلکه دولت‌ها از طریق شرکت‌های بزرگ و معتبر به دنبال اهداف اقتصادی و سیاسی خود هستند.

ب. رویکرد چینی: رویکرد چین به همگرایی را بیشتر می‌توان در قالب نئومرکانتیلیستی فهم کرد. به‌این‌منظور لازم است دیدگاه دیوید میترا نی به اجمال مورد توجه قرار گیرد. نوشته‌های میترا نی روی نظریه‌پردازان بعدی همگرایی تأثیر زیادی داشته است. وی استدلال می‌کند که پیچیدگی فزاینده نظام‌های حکومتی، وظایف اساساً فنی و غیرسیاسی حکومت‌ها را بسیار افزایش داده است. این وظایف نه‌تنها باعث ایجاد نیاز به متخصصینی کاملاً کارآزموده در سطح ملی شده‌اند، بلکه در سطح بین‌المللی هم مسائلی، اساساً فنی را به‌وجود آورده‌اند که حل آنها مستلزم همکاری فن‌شناسان و نه نخبگان سیاسی است. نظریه میترا نی متضمن نوعی اصل انشعاب است که طبق آن توسعه همکاری در یک حوزه فنی به رفتار مشابهی در سایر حوزه‌های فنی منجر می‌شود. به‌عبارتی همکاری کارکردی در یک بخش باعث می‌شود که ضرورت همکاری کارکردی در بخش دیگر نیز احساس شود. با همین رویکرد؛ یعنی نوعی نظام بین‌المللی که در آن بازیگران همواره هماهنگ ساختن منافع خود، مصالحه در مورد

اختلاف‌ها و تحصیل عواید متقابل از قبل تعامل‌های خود را میسر می‌یابند» (فالتزگراف و دوئرتی، ۱۳۸۸، صص. ۶۶۹-۶۶۶). با این توصیف مشخص می‌شود که ذهنیت قالب در بیشتر اتحادیه‌ها و وحدت‌های ناحیه‌ای و منطقه‌ای یا قاره‌ای، دستیابی به نوعی اتفاق برای تأمین امنیت و مقابله با تهدیدهای خارجی و درنهایت برقراری نظم، آرامش و صلح بوده است (کاظمی، ۱۳۸۴، صص. ۴۸۳-۴۸۴). به نظر می‌رسد، امروزه این تأمین امنیت در قالب شرکت‌ها به منظور کسب ثروت و رونق اقتصاد داخلی هر کشور رقم می‌خورد که البته با حمایت‌های بخش دولتی مهیاتر می‌شود. البته این امر توسط بخش‌های خصوصی و شرکت‌های دولتی نیز رقم می‌خورد که در قالب نئومرکانتیلیسم می‌تواند رقم بخورد.

۲-۳. نئومرکانتیلیسم

نئومرکانتیلیسم، نظریه‌ای احیاگرانه از تجارت است که بر محدودیت‌های تجاری و سیاست‌های تجاری به‌عنوان وسیله افزایش درآمد و اشتغال داخلی تأکید می‌کند. نئومرکانتیلیست‌ها بیشتر منافع یک کشور را از نظر اقتصادی فهم می‌کنند.

الف. تاریخچه: در این نظریه قدرت سیاسی برآمده از ثروت اقتصادی است (Gerriey & Padoan, 1986, p. 84) و به‌همین خاطر است که نظریه نئومرکانتیلیست در اصول اساسی خود بیشترین اشتراک را با نظریه نواقع‌گرایی را داراست (Oatley, 2010, p. 8). در این نظریه قدرت و اقتدار دولت جنبه‌ای اقتصادی دارد که دولت، نقشی درجه اولی به‌منظور کنترل بازار آزاد و کنترل شرکت‌های غیردولتی داشته و بر انحصار دولتی شرکت‌ها تأکید دارد (Rodrik, 2010, p. 15)؛ بنابراین اهمیت انرژی برای قدرت‌های بزرگ که به‌دنبال تضمین امنیت ملی و افزایش ثروت اقتصادی هستند، غیرقابل‌انکار است (Grygiel, 2006, p. 15). در واقع رقابت قدرت‌های جهانی در حوزه اقتصاد و انرژی ناپایدار است، چراکه هر رقیبی به‌دنبال کسب هژمونی بر دیگران است (Gilpin, 1987, p. 34). در نظریه نئومرکانتیلیسم به‌دلیل برتری وابستگی متقابل در نظام اقتصاد جهانی، اهمیت خودکفایی در منابع راهبردها در حال کاهش است و از سوی دیگر، اولویت دولت‌ها در درون نظام بین‌الملل بر رقابت پایاپای با هدف جذب صنایع کلیدی مهم در یک تضاد توزیعی میان قدرت‌های بزرگ در جریان است (Sell, 2000, p. 54).

ب. **رویکرد چینی:** به نظر می‌رسد رویکرد چین در مورد خاورمیانه و شمال آفریقا را بتوان با اصول نئومرکانتیلیسم فهم نمود. در سال ۲۰۱۴ چین و کشورهای حوزه خلیج فارس برنامه‌هایی مربوط به سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ را با تمرکز بر سیاست، انرژی، حفاظت از محیط زیست و آب‌وهوا، تجارت، فرهنگ، آموزش و پرورش، بهداشت و ورزش پایه‌ریزی کردند (Henelito, 2017, p. 94). چین به نظر می‌رسد شرکت‌های نفت چینی در سال‌های اخیر در خارج از کشور به منظور به دست آوردن سهم بیشتر در سراسر آسیای مرکزی، آفریقا و آمریکای لاتین به طرفداران سرمایه‌گذاری تبدیل شده‌اند. این رویکرد در آسیای مرکزی و حوزه دریای خزر نیز قابل واری است و این منطقه نیز جزو مناطقی بوده که چین مشارکت‌های جامع راهبردی با قزاقستان، ازبکستان و تاجیکستان داشته است.

۲-۴. الگوی تحلیل (مشارکت راهبردی جامع)

با عنایت به ارکان سه‌گانه بالا حال می‌توان اصول حاکم بر الگوی «مشارکت راهبردی جامع» چین را به شرح زیر تبیین کرد:

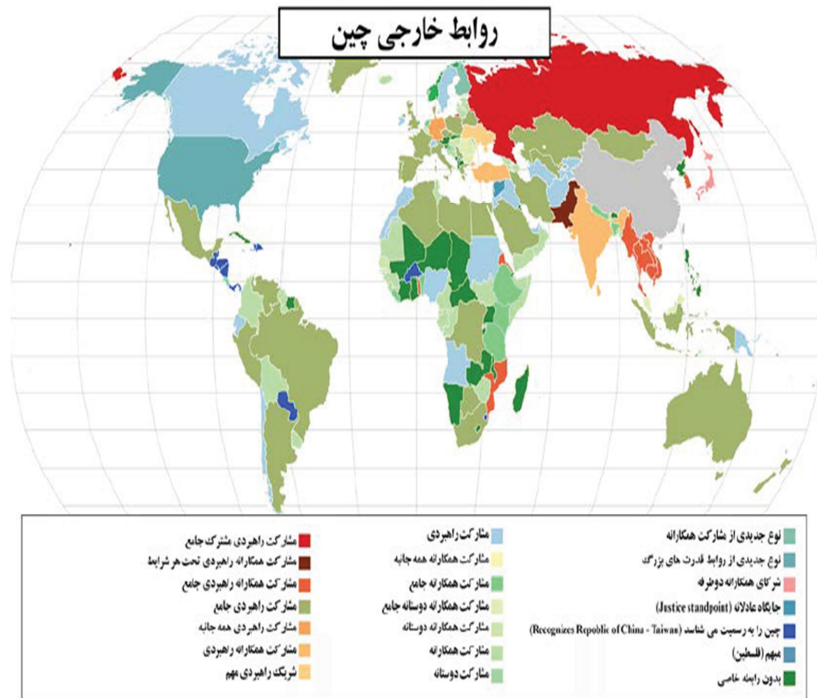
اصل اول. وجود منافع متقابل پایدار: چین اولین مشارکت راهبردی خود در عرصه بین‌المللی را با کشور برزیل در نوامبر ۱۹۹۳ آغاز کرد. در آن زمان رئیس‌جمهور جیانگ زمین از برزیل بازدید کرد و طی آن رهبران دو کشور در مورد ایجاد یک مشارکت راهبردی بلندمدت و پایدار بر اساس منافع متقابل به توافق رسیدند. این دیدار نقطه عطفی در روابط چین و برزیل بود و در تقویت دوستی و همکاری بین دو کشور اهمیت زیادی داشت (www.fmprc.gov.cn). از سال ۱۹۹۳، زمانی که چین اولین مشارکت راهبردی خود را با برزیل ایجاد کرد، دیپلماسی مشارکت به تدریج به یکی از اجزای اصلی راهبرد دیپلماسی بزرگ چین تبدیل شد. این کشور از آن تاریخ به بعد با بیش از ۱۰۰ کشور دنیا در سطوح مختلف مشارکت داشته و روابط خود را با سایر کشورها در سطوح مختلفی دسته‌بندی و سازماندهی کرده است و برای هر سطح نام ویژه‌ای با توجه به حدود و عمق روابط در نظر گرفته است (Yue, 2018, p. 5).

اصل دوم. توسعه و همه‌جانبه‌گرایی: در این میان ایده «مشارکت راهبردها همه‌جانبه» برای اولین بار در ژوئن ۲۰۰۳ در زمان ژان شیراک و جیانگ زمین مطرح شد که هدف

مشترک آنها ترویج نظم جهانی چندقطبی لندن و پکن بود. براین اساس در همان سال یک سازوکار مشاوره امنیتی راهبردی فعال شد. در اکتبر نیز بیانیه مشترک اجلاس سران چین و اتحادیه اروپا صادر شد که دامنه آن گسترش یافت و ساختار چندلایه روابط چین و اتحادیه اروپا به عنوان «شاخصی از بلوغ فزاینده و راهبردی رو به رشد»، «ماهیت مشارکت» و «راهبرد امنیتی اروپا» شکل گرفت که در دسامبر ۲۰۰۳ چین را جزو شش کشور راهبردی اتحادیه اروپا قرار داد. در سال ۲۰۰۵ رئیس کمیسیون اروپا اظهار داشت که یکی از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی اتحادیه اروپا در این زمینه «توسعه یک رابطه راهبردی دوجانبه سودمند و پایدار با چین» است (Holslag, 2011, p. 295). چین تا پایان سال ۲۰۱۶، با ۷۸ کشور و ۵ منطقه همکاری کرده است که همه قاره‌های کره زمین را دربرمی‌گیرد. سازمان‌های اتحادیه آفریقا، اتحادیه عرب، آسه‌آن، سلاک و اتحادیه اروپا که ۴۵ درصد از ۱۷۴ کشوری است که روابط سیاسی رسمی با چین دارند.

اصل سوم. شبکه‌سازی: چین شبکه‌ای مشارکتی طراحی کرده است که دارای طبقه‌بندی‌های مختلفی بوده و براساس سه ضرورت شکل گرفته است؛ ضرورت مقابله با فشار آمریکا؛ حفظ صلح و بالآخره نیاز به حفظ ثبات در دستیابی به منابع مورد نیاز برای تحقق اهداف بلندمدت (Li and Ye, 2019, pp. 66-72). در نقشه زیر مشارکت‌های راهبردی چین تا سال ۲۰۱۷ نمایش داده شده است.

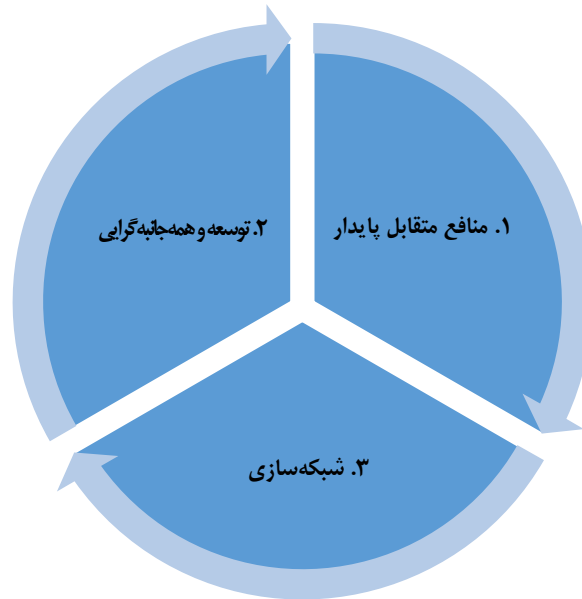
نقشه شماره (۱): انواع مشارکت‌های چین در گستره جهانی



(منبع: بی‌نا، ۱۴۰۰، ص. ۲۱)

نتیجه آنکه چین گونه‌های مختلفی از مشارکت را در دستورکار سیاست خارجی‌اش دارد؛ اما در این میان مشارکت راهبردی جامع (نک. نمودار شماره ۱) به‌عنوان نمونه عالی مشارکت، مدنظر می‌باشد. این مشارکت به‌خاطر اصول سه‌گانه‌اش دربردارنده منافع پایدار و مشترک برای طرفین خواهد بود و می‌تواند اهداف راهبردی و بلندمدت چین را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تأمین و تضمین نماید.

نمودار شماره (۱): اصول الگوی مشارکت راهبردی جامع چین



(طراحی توسط نویسندگان)

۳. تحلیل وضعیت مشارکت راهبردی جامع چین با سایر کشورها

مشارکت‌های راهبردی چین با سایر کشورها به ترتیب تاریخی شامل؛ اتحادیه اروپا (۲۰۰۳)، فرانسه و ایتالیا (۲۰۰۴)، ایتالیا (۲۰۰۴)، اسپانیا و پرتغال (۲۰۰۵)، یونان (۲۰۰۶)، دانمارک (۲۰۰۸)، آفریقای جنوبی (۲۰۱۰)، قزاقستان (۲۰۱۱)، برزیل (۲۰۱۲)، پرو؛ اندونزی؛ مالزی؛ مکزیک و بلاروس (۲۰۱۳)، الجزایر؛ مغولستان؛ مصر؛ آرژانتین؛ ونزوئلا؛ استرالیا و نیوزیلند (۲۰۱۴)، عربستان و ایران؛ لهستان؛ شیلی و ازبکستان (۲۰۱۶)، تاجیکستان و مجارستان (۲۰۱۷) و امارات (۲۰۱۸) می‌شود (بی‌نا، ۱۴۰۰، ص. ۱۹). در ذیل مهم‌ترین نمونه‌های مشارکت‌های راهبردی چین تحلیل می‌شود.

۳-۱. مشارکت راهبردی جامع چین و برزیل

برزیل بزرگ‌ترین کشور آمریکای لاتین و کشوری در حال توسعه با ظرفیت عظیمی برای

توسعه اقتصادی است. چین به روابط دوستانه خود با برزیل اهمیت اساسی می‌دهد. از زمان برقراری روابط بین دو کشور در سال ۱۹۷۴، پیشرفت‌های آرامی در زمینه‌های اقتصادی، علمی و فرهنگی صورت گرفته و دیدارهای رسمی در سطوح بالا برقرار بوده است. اولین مشارکت چین در دنیا به برزیل اختصاص یافته که در نوامبر ۱۹۹۳ شکل گرفت. در اکتبر ۱۹۹۹، اولین ماهواره منابع زمینی مشترک چین و برزیل با موفقیت پرتاب شد. این همکاری بیانی عینی از مشارکت راهبردی چین و برزیل است که می‌تواند به ایجاد نظم سیاسی و اقتصادی بین‌المللی عادلانه، حفظ صلح جهانی، ثبات و افزایش رفاه مشترک و امنیت اقتصادی کشورهای در حال توسعه، کمک نماید (www.fmprc.gov.cn). البته لازم به ذکر است که مشارکت جامع راهبردی بین دو کشور در سال ۲۰۱۲ می‌باشد، اما از نظر ژئوپلیتیکی و سیاسی روابط دو کشور بسیار حائز اهمیت است. با این توضیح مشخص می‌شود که الگوی مشارکت چین و برزیل از حیث اصل اول (منافع متقابل) قوی ارزیابی شده ولی در اصل دوم (توسعه) چندان قوی ظاهر نشده و در اصل سوم (شبکه‌ای شدن)، ضعیف عمل کرده است.

۲-۳. مشارکت راهبردی جامع چین و اتحادیه اروپا

در سال ۲۰۰۳ اتحادیه اروپا اعلام کرد که یک «مشارکت راهبردی جامع» با چین را آغاز کرده است. هدف از این سیاست ارتقای روابط اتحادیه اروپا و چین فراتر از مسائل تجاری و سرمایه‌گذاری غیرعادی برای رسیدگی به برخی از مهم‌ترین چالش‌های سیاسی و امنیتی جهان بود (Maher, 2016, p. 960). مشارکت و ارتباط چین با اروپا حجم معامله‌های وسیعی را دربرمی‌گیرد که کشورهای آلمان، فرانسه، ایتالیا، یونان، اسپانیا، یونان، دانمارک، پرتغال به صورت مستقیم در آن درگیر هستند. بررسی تجربه این الگوی مشارکتی نشان از آن دارد که در دو اصل اول (منافع متقابل و توسعه روابط) نتیجه قابل قبولی حاصل آمده، اما در بخش شبکه‌سازی بنا به دلایل متعدد، هنوز این الگو در جایگاه اطمینان‌بخشی قرار ندارد.

۳-۳. مشارکت راهبردی جامع چین و امارات متحده عربی

امارات اولین توافق همکاری خود با چین را به سال ۲۰۱۲ در سطح مشارکت راهبردی

امضاء و در سال ۲۰۱۸ به مشارکت جامع راهبردی ارتقاء داد. وزیر خارجه چین در سال ۲۰۲۱ به پادشاه امارات و گسترش همکاری در زمینه طرح ابتکار «یک کمربند - یک راه» تأکید کرد و به چشم‌انداز ۵۰ ساله امارات توجه جدی شد. امارات دومین شریک تجاری چین در جهان عرب، و بزرگ‌ترین بازار صادراتی این کشور در منطقه است (Fulton, 2019, p. 12). امارات قصد دارد که درهای کشور خود را برای سرمایه‌گذاری بیشتری در حوزه نوآوری و فناوری کشاورزی باز نماید. افزایش حجم مبادله‌ها به ۲۰۰ میلیارد در سال ۲۰۳۰ از توافقی‌های دو کشور است که به زمینه‌های هوش مصنوعی نیز توجه شده است. در واقع امارات دروازه ورود چین به آسیای غربی و شمال آفریقا طبق نقشه «ابتکار یک کمربند - یک راه» است. همچنین چین در زمینه امور مالی و فناوری سرمایه‌گذاری جدی در این کشور داشته است. با این توضیح می‌توان چنین اظهار داشت که این الگوی مشارکتی در هر سه اصل در وضعیت مطلوب و رو به رشدی قرار دارد.

۳-۴. مشارکت راهبردی جامع چین و عربستان

روابط چین و عربستان به سال ۱۹۹۰ بازمی‌گردد. شی جین‌پینگ در اولین سفر خود به غرب آسیا در سال ۲۰۱۶ همزمان از عربستان و سپس ایران دیدار کرد و توافق‌نامه مشارکت راهبردی جامعی امضاء کرد. در این میان همکاری‌های علمی در حوزه‌های اقتصادی، تجاری، انرژی، سرمایه‌گذاری، توسعه زیرساخت‌های، آموزش، فناوری و فرهنگی انجام دادند. پس از این مشارکت حجم تبادل‌های تجاری رشد و سرعت فزونی به خود گرفت، به گونه‌ای که صادرات عربستان در سال ۲۰۱۸ به حدود ۲۴ میلیارد رسید و حجم مبادله‌های تجاری دو کشور در سال ۲۰۱۹ به حدود ۷۹ میلیارد رسید. زبان چینی در برنامه درسی آموزشی در تمام سطوح مدارس و دانشگاه‌های عربستان از اقدام‌های مهم برای گسترش فرهنگ چینی بوده است (Fulton, 2019, pp. 15-18). همچنین مشارکت چین در چشم‌انداز ۲۰۲۳ عربستان سعودی در این مشارکت تأثیر جدی داشته است و واردات عربستان از چین با رشد حدود ۱۸ درصدی به حدود ۲۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ رسیده و در این سال عربستان اولین تأمین‌کننده نفت چین بوده است (arab.news). با عنایت به تحولات رخ داده در عربستان سعودی در پی

راهبردهای جدید بن سلمان، چنین به نظر می‌رسد که موانع موجود بر سر راه بهبود اصول سه‌گانه مشارکت راهبردی در عربستان تا حدود زیادی رفع شده است و باید منتظر دور جدیدی از تحولات در این زمینه بود.

۳-۵. مشارکت راهبردی جامع چین و مصر

مصر اولین توافق خود برای مشارکت با چین را در ۱۹۹۹ امضاء کرد که در سال ۲۰۱۲ به سطح مشارکت راهبردی ارتقاء یافت و در سال ۲۰۱۴ طرفین به مشارکت راهبردی جامع دست یافتند. مصر پس از کودتا و در زمان السیسی و باتوجه به رفتارهای خصمانه آمریکا، تمایل بیشتری به چین پیدا کرد و طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ عبدالفتاح السیسی شش بار به چین سفر کرد و توانست ۱۵ میلیارد دلار از چین برای سرمایه‌گذاری در این کشور جذب کند. عمده محصولات صادراتی چین به مصر، لوازم خانگی بوده و بیشتر صادرات مصر به چین محصولات کشاورزی است (Yame, 2019). با توجه به تحولات بنیادنی که مصر شاهد آن است، به نظر می‌رسد که طرح مزبور از حیث رسیدن به مرحله شبکه‌سازی دچار مشکل بوده و حداکثر به همکاری‌های راهبردی می‌تواند تبدیل شود.

۳-۶. مشارکت راهبردی جامع چین و الجزایر

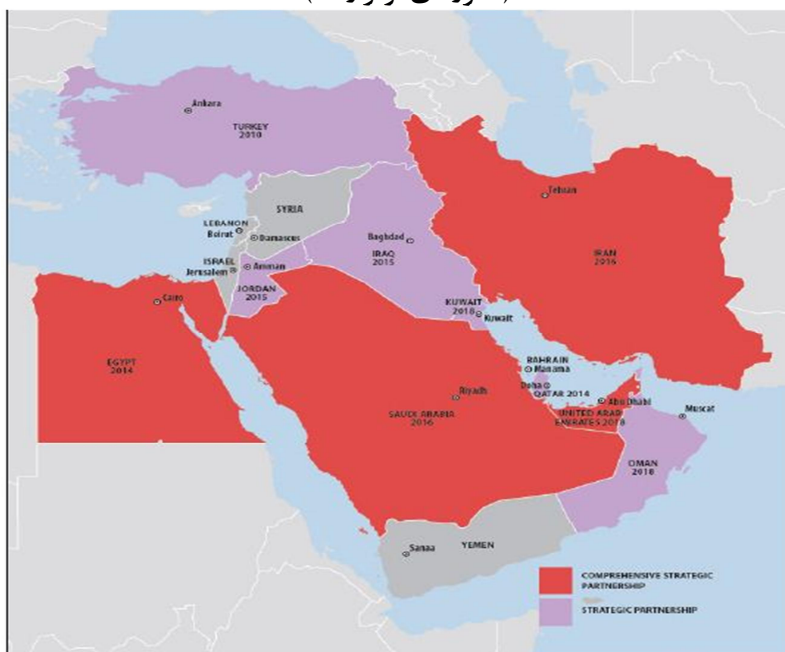
رابطه سیاسی چین و الجزایر به سال ۱۹۵۵ و روابط اقتصادی به سال ۲۰۰۰ بازمی‌گردد. حضور چین در توسعه زیرساخت‌ها و طرح‌های عمرانی در این کشور مشهود است. در سال ۲۰۱۴ بین دو کشور مشارکت جامع راهبردی شکل گرفت. این امر ناشی از نزدیکی الجزایر به اروپا و دسترسی به مناطق ساحل و جنوب صحرا بوده که نقش ژئواستراتژیکی برای طرح ابتکار «یک کمربند - یک راه» چین است. الجزایر جزو اولین کشورهایی بود که به این طرح پیوست و به‌همین دلیل در زمینه علوم فناوری و فضایی نیز همکاری جدی وجود دارد. نفت خام، گاز و فرآورده‌های آن بیشترین سهم صادرات الجزایر به چین و کالای اساسی مانند گندم و تجهیزات و ماشین‌آلات بیشترین اقلام وارداتی الجزایر از چین است (Calabrese, 2021). با این حال ضعف بنیادهای سیاسی در این کشور، آینده روشنی را برای تقویت طرح راهبردی جامع در اصولی چون شبکه‌سازی را ترسیم نمی‌نماید.

۳-۷. مشارکت راهبردی جامع چین و جمهوری اسلامی ایران

چین به‌عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری، خریدار نفت و سرمایه‌گذار خارجی ایران مطرح است و تهران یکی از کشورهای مهم سیاسی برای پکن در غرب آسیا است. سرمایه‌گذاری چین در زمینه توسعه زیرساخت‌های ایران در اوایل سال ۲۰۱۸ به حدود ۹ میلیارد رسید که با تحریم‌های آمریکا کاهش یافت. احداث راه‌آهن برای قطارهای باری، مستقیم از استان ججیانگ چین به تهران، از طرح‌های مهم ایران در زمینه طرح ابتکار «یک کمربند - یک راه» است که در مقایسه با روش مرسوم حمل و نقل بین بندر شانگهای و بندر عباس، زمان انتقال کالا ۳۰ روز کاهش می‌یابد. ایران توانسته سطح روابط خود با چین در سال ۲۰۱۶ را به مشارکت جامع راهبردی ارتقاء دهد. چین پیامدهای تحریمی آمریکا را درک می‌کند و با این حال خواهان تحکیم روابط اقتصادی با ایران است و این تحریم‌ها را «تحریم‌های یکجانبه غیرمنطقی اعمال‌شده» می‌داند (Tiezzi, 2021). پیش‌بینی می‌شود چین ۲۸۰ میلیارد دلار برای نفت و گاز و بخش‌های پتروشیمی در ایران سرمایه‌گذاری کند (GCR Staff, 2019). لازم به ذکر است که سفر رئیس‌جمهور ایران به‌منظور پیشبرد مشارکت جامع راهبردی بین دو طرف صورت گرفته و از این حیث سفری مهم و تأثیرگذار ارزیابی می‌شود. با عنایت به سیر تحولات بین دو کشور می‌توان چنین اظهار داشت که مشارکت راهبردی جامع دو کشور تا قبل از دولت سیزدهم در شرایط مناسبی قرار نداشته و سیاست‌های جدید ایران، حکایت از بهبود این اصول در آینده نزدیک دارد.

در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که اهتمام چین به اجرای این طرح زیاد بوده و نتایج (نک. نقشه شماره ۲) حکایت از توفیق نسبی چین دارد. البته ارزیابی‌های مستند به اصول سه‌گانه مشارکت راهبردی جامع، نشان می‌دهد که این طرح در مرحله شبکه‌سازی با مشکلات بسیاری روبه‌رو است، که ورود جدی کشورهای مثل ایران و عربستان، می‌تواند این ارزیابی را در آینده نزدیک دستخوش تغییر مثبت سازد.

نقشه شماره (۲): کشورهای حاضر در طرح مشارکت راهبردی جامع چین در غرب آسیا
(کشورهای قرمز رنگ)



(Source: Fulton, 2018, p. 4)

۴. تجزیه و تحلیل

نظر به سیاست‌های عملی چین و وضعیت اصول سه‌گانه مطرح در نظریه مشارکت راهبردی جامع، حال می‌توان الگوی رفتاری چین را تحلیل کرد.

۴-۱. طرح مشارکت راهبردی جامع چین و تولید گفتمان جدید مشارکت

این نکته حائز اهمیت است که امروزه چین برای ارتباط با سایر کشورها سعی دارد از واژه محوری «مشارکت» بهره ببرد. آن‌ها آگاهانه از واژه‌های اتحاد، پیمان، همکاری و یا قرارداد استفاده نمی‌کنند. برای این منظور در ابتدا با توجه به ظرفیت‌های داخلی‌شان، کشورهای هدف را شناسایی و سپس حسب توانایی، رویکرد، و نیاز سایر کشورها، اقدام به طراحی طرح‌های مشارکت می‌نمایند؛ طرح‌هایی که از حیث توجه به منافع متقابل برجسته و درخور توجه هستند. با این توضیح، درک معنای مشارکت در گفتمان

جدید چینی‌ها مهم و ضروری است. به‌طور مشخص می‌توان ویژگی‌های «مشارکت» در گفتمان نوین چین را به این شرح فهرست کرد:

الف. مشارکت مستلزم منافع و توقع‌های مشترک و مشخص شده است؛

ب. مشارکت دربردارنده منافع متقابلی است که دارای برد زمانی بلندمدت هستند و چنین نیست که در کوتاه‌مدت محقق و تمام شوند؛

پ. اهداف مورد نظر از مشارکت چندبُعدی، همه‌جانبه و توسعه‌یابنده هستند؛ به‌گونه‌ای که متناسب با شرایط آتی قابلیت بازتعریف دارند.

ت. مشارکت‌ها مشخص و معین بوده و ابعاد مختلف آن به‌منظور دوری از ابهام، برای طرفین روشن می‌باشد.

۴-۲. طرح مشارکت راهبردی جامع چین و نظم بین‌الملل

تحلیل‌ها حکایت از آن دارد که سیاست خارجی چین در حال تجربه نمودن تحولی راهبردی است. تحلیل‌گرانی همچون شامبوگ^۲ با مروری کوتاه بر راهبرد سیاست خارجی چین نشان داده‌اند که این کشور از سال ۱۹۴۹ تا قبل از طرح مشارکت راهبردی جامع‌اش، عموماً به‌مثابه یک قدرت بدون متحد (به‌جز در دوره اتحاد کوتاه‌مدتش با شوروی و شبه‌اتحادش با آمریکا) بوده است. به‌همین خاطر است که از آن با عنوان «قدرت تنها» نیز یاد شده است (Shambaugh, 2014). به این معنا که دوستان نزدیکی برای این کشور که رابطه‌شان بر پایه اعتماد متقابل باشد، وجود نداشته است. آسیب‌ها و تهدیدهای ناشی از این وضعیت، چین را به اصلاح سیاست خارجی‌اش در چهارچوب‌های مصوبش، رهنمون‌شده و چنین به‌نظر می‌رسد که طرح مشارکت راهبردی جامع نتیجه این رویکرد جدید است. از زمان به‌قدرت رسیدن شی جین‌پینگ، دولت چین به‌طور مداوم شبکه مشارکت راهبردی خود را در منطقه گسترش داده است (Zhong & Yang, 2020, p. 62). این سیاست می‌تواند از رقابت آمریکا و چین بر سر متحدان نظامی جلوگیری کند و اعتماد راهبردی بین چین و کشورهای همسایه‌اش را تقویت کند و شرایطی را برای توسعه صلح‌آمیز چین و ثبات راهبردی جهانی ایجاد کند؛ بنابراین باید توجه داشت که مشارکت‌های چین، خواه‌ناخواه منجر به نزدیکی رویکردها، سیاست‌ها و هم‌افزایی فرهنگ بین‌المللی در

روابط بین‌الملل خواهد شد. در نهایت می‌توان با نوعی اغماض از برخی رفتارهای چین چنین گفت: رویکرد چینی‌ها در حال حاضر ناشی از نوعی احترام متقابل، مسالمت‌آمیز و توسعه همکاری‌ها است که می‌تواند منجر به پیشبرد روند صلح در نظام بین‌الملل و تقویت نوعی ثبات هژمونیک چین باشد. این امر می‌تواند ناشی از نگرش جدید از امنیت باشد که پینگ در ابتدا در آسیا شروع کرده است و «مفهوم امنیتی جدید» را با هدف ایجاد معماری امنیتی آسیایی به رهبری بومیان آسیا بدون دخالت خارجی پیشنهاد کرده است. همچنین بر لزوم ایجاد معماری جدید امنیتی بر اعتماد و منافع متقابل، برابری و همکاری تأکید کرد (ADB, 2017). شی جین پینگ در دوره دوم ریاست جمهوری خود عمیقاً بر این ایده تأکید کرد. در مجمع سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۱۸، او تکرار کرد که ما یک مشارکت سازنده ایجاد کرده‌ایم که شامل عدم اتحاد، عدم تقابل و هدف قرار دادن هیچ طرف ثالثی است. این مفهوم جدید امنیتی اکنون بخشی جدایی‌ناپذیر از سیاست منطقه‌ای چین است که در گزارش رسمی منتشر شده در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ درباره همکاری‌های امنیتی در آسیا و اقیانوسیه تشریح شده است. در آن گزارش، چین بر نیاز به بازسازی ساختار امنیتی و اینکه امنیت آسیا باید فقط توسط آسیایی‌ها اداره شود، تأکید کرد. این امر تنها از طریق گفتگو و همکاری بین کشورهای منطقه بدون دخالت خارجی امکان‌پذیر است (Jiechi, 2019).

۴-۳. طرح مشارکت راهبردی جامع و ظهور قدرت جهانی چین

شاید معتبرترین توضیح ارائه شده برای فهم واژه «جامع» و «راهبردی» تاکنون از سوی ون جیابائو، نخست‌وزیر سابق چین ارائه شده است. وی در سال ۲۰۰۴ هنگام بازدید از اتحادیه اروپا در بروکسل در یک سخنرانی این اصلاحات را توضیح داد. «جامع» به همکاری در زمینه‌های اقتصادی، فناوری، فرهنگی و سیاسی اشاره دارد. این زمینه‌ها می‌تواند دوجانبه یا چندجانبه باشد، به این معنا که کشورهای دوتایی در مشارکت فراگیر ممکن است در برخورد با مسائل چندجانبه نیز با هم کار کنند و رابطه چندلایه باشد؛ به این معنا که دولت با دولت همکاری داشته باشد و دیپلماسی مردم با مردم. اصطلاح «راهبردی» به این معناست که همکاری دو کشور نه تنها دارای یک اهمیت کلی برای روابط دوجانبه، پایدار و بلندمدت است، بلکه با غلبه بر تفاوت در ایدئولوژی

و نظام‌های سیاسی در نهایت، اصطلاح شراکت به این معنی است که دو کشور بر اساس «احترام متقابل»، «اعتماد متقابل» و «برابری» همکاری می‌کنند و طرفین در تلاش برای توسعه یک رابطه برد - برد هستند که برای دو طرف سودمند باشد (Li & Ye, 2019, p. 67). چین نسبت به مشارکت‌های راهبردی جامع با کشورهایی تمایل دارد که برای شرایط فعلی چین یا توسعه اقتصادی آینده این کشور مهم باشند.

رابطه چین با سایر کشورها در قالب ۲۴ نوع مشارکت شکل گرفته که ابتدا از مشارکت‌هایی شروع می‌کند که مسئولیت بین‌المللی کمتری دارد و سپس با توجه به ظرفیت‌ها و عمق روابط و نیز توسعه صادرات و فروش مازاد به کشور مورد توجه، این سطح مشارکتی می‌تواند ارتقاء یابد؛ برای مثال چین با نظام ایدئولوژیک شبیه به خود یعنی روسیه در سال ۱۹۹۶ ابتدا یک مشارکت راهبردی ایجاد کرد؛ سپس دو کشور این مشارکت را به مشارکتی جامع ارتقا دادند و در نهایت در سال ۲۰۲۳ علی‌رغم چالش‌هایی که آمریکا برای این کشور داشت و نیز جنگ اوکراین، وزیر امور خارجه چین (در ۱۵ فوریه ۲۰۲۳) اعلام کرده که آماده همکاری با روسیه برای تقویت مشارکت راهبردی همه‌جانبه است. همچنین می‌توان به مشارکت چین و پاکستان اشاره داشت که نمونه‌ای خاص است و می‌تواند ناشی از شرایط ژئواکونومیک، ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیکی باشد. دولت‌های چین و پاکستان به‌عنوان دو کشور همسایه، حدود هفت دهه می‌باشد که روابط راهبردی و محکمی در اقتصاد، سیاست، مسائل نظامی و هسته‌ای و انرژی برقرار ساخته‌اند و با کریدور پاکستان - که از آن به مهم‌ترین کریدور در ابتکار «یک کمربند - یک راه» یاد شده - این مشارکت عمق بیشتری هم پیدا خواهد کرد. چنین به نظر می‌رسد که چین از طریق مشارکت‌های خود به‌خصوص مشارکت‌های راهبردی جامع در پی شکل دادن یک شبکه عمیق و راهبردی است که جنبه‌های اقتصادی در اولویت قرار دارد و سپس جنبه‌های سیاسی، نظامی و فرهنگی هستند. به‌عبارتی پکن جدید در عمل نشان داده که قدرتی بزرگ در روابط بین‌المللی (فعالاً بر محوریت اقتصاد و تا حدودی سیاست) است و این روند در صورت استمرار می‌تواند به ظهور قدرتی تمام‌عیار در نظام بین‌الملل منتهی شود.

۴-۴. طرح مشارکت راهبردی جامع و غرب آسیا

تا آنجا که به غرب آسیا برمی‌گردد، راهبرد مشارکتی چین در حال تحقق است، به گونه‌ای که می‌توان اظهار داشت که چین با همه کشورهای حوزه خلیج فارس به غیر از بحرین مشارکت دارد. در این میان انواع مختلفی از مشارکت‌های سیاسی وجود دارد، اما دو مشارکت که چین به صورت قوی دنبال می‌کند؛ «مشارکت راهبردی» و «مشارکت راهبردی جامع» است. جایگاه ایران، عربستان و امارات در این منطقه ناشی از ظرفیت انرژی این سه کشور و قدرت سیاسی ایران و عربستان است. در طرح چین، کشورهای عربستان و ایران بیشتر به خاطر جایگاه ژئوپلیتیک آن‌ها مهم هستند و امارات بیشتر به خاطر ملاحظه‌های اقتصادی، مالی و بانکی. از آنجا که الگوی رفتاری چین در مشارکت راهبردی جامع مبتنی بر صادرات تولید مازاد خود است؛ کشورهایی مانند مصر، ایران، عربستان، امارات، الجزایر، برزیل، قزاقستان و تاجیکستان نیز برایش اهمیت ویژه دارند. از منظری دیگر این الگوی رفتاری در زمینه سیاسی نیز حائز اهمیت است. برای چین مهم است که مشارکت با کشورهای دیگر چگونه بر اساس «احترام متقابل»، «اعتماد متقابل» و «برابری» باشد و اختلاف‌های بین کشورهای مقصد مشارکت راهبردی جامع را با اساس «سیاست همکاری با همه و بدون اختلاف» پیگیری نماید و بین این کشورها «توازن» ایجاد نماید. نمونه آن توازن روابط بین ایران و کشورهای خلیج فارس است که بخش مهمی از رویکرد چین به منطقه غرب آسیا را شکل می‌دهد. در همین راستا است که می‌بینیم تلاش‌های چین باعث امضای مشارکت راهبردی جامع با عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران شد و با هر دو کشور تأثیرگذار در غرب آسیا در سال ۲۰۱۹ تمرین‌های نظامی انجام داد (Loft; Curtis & Ward, 2022, p. 43).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که پکن از طریق مشارکت‌های راهبردی جامع الگوی رفتاری خاصی را دنبال می‌نماید که بر نوعی گزینش‌گری استوار است. به این صورت که کشورهایی را که دارای شرایط و ظرفیت‌های خاصی هستند، هدف قرارداده و با طرح‌های دربردارنده منافع متقابل پایدار دعوت به همکاری می‌نماید. مشارکت‌های راهبردی جامع چین هر چند در حال حاضر اقتصادی‌اند، اما نباید آنها را صرفاً اقتصادی

فهم و تحلیل کرد. توجه به آثار طرح کلان ابتکار «یک کمربند - یک راه» نشان می‌دهد که نقد یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و کاهش نفوذ واشینگتن در بسیاری از کشورها از همین طریق حاصل آمده است. چین در مشارکت‌ها تأکید دارد که بازی برد - برد را برای طرفین رقم می‌زند و با این رویکرد صلح و ثبات در جهان برقرار می‌گردد، اما عملاً با کاهش نقش آمریکا، قدرت چین بیشتر هویدا می‌شود. چنین می‌توان اظهار داشت که با بسط مشارکت‌ها، پکن عملاً در هندسه قدرت جهانی، تضعیف هژمونی آمریکا را هم نشان خواهد داد.

یادداشت‌ها

1. One Belt-One Road
2. Shambaugh

کتابنامه

- براتی، رضا (۱۳۹۷). *سیاست خارجی عملگرایانه و ارتقای اقتصادی چین (۱۹۸۷-۲۰۱۰)*. رساله دکترا، تهران: دانشگاه تهران.
- بی‌نا (۱۴۰۰). *بررسی مشارکت‌های راهبردی چین با سایر کشورها*. تهران: مرکز همکارهای تحول و پیشرفت نهاد ریاست جمهوری، مؤسسه پویندگان توسعه و نوآوری ایرانیان.
- جمشیدی، محمد و یزدان شناس، زکیه (۱۳۹۹). «استراتژی چرخش به آسیا: خیزش چین و سیاست امنیت ملی آمریکا در آسیا»، *نشریه علمی دانش سیاسی*. ۱۶(۱): ۹۱-۱۱۶.
- فالتزگراف، رابرت و دئورتی، جیمر (۱۳۸۸). *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*. ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: نشر قومس.
- فلاحی، احسان و امیدی، علی (۱۳۹۹). «تحلیل روابط دوجانبه چین و جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی: شکاف بین انتظارات و واقعیات»، *نشریه علمی دانش سیاسی*. ۱۶(۲): ۵۳۷-۵۶۲.
- کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۸۴). *روابط بین‌الملل در تئوری و عمل*. تهران: قومس.
- یوسفی، امین (۱۳۹۶). *روابط ایران و چین از ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

ADB, (2017). *Meeting Asia's Infrastructure Needs*. Asian Development Bank. <https://www.adb.org/sites/default/files/publication/227496/special-report-infrastructure.pdf>

- Calabrese, John (2021). *The New Algeria and China*. Adress: <https://www.mei.edu/publications/new-algeria-and-china>
- Ciorciari, John (2010). *The Limits of Alignment: Southeast Asia and the Great Powers since 1975*. Washington, DC: Georgetown University Press.
- Fulton, Jonathan (June 5, 2018). *China's Changing Role in the Middle East*. Atlantic Council.
- Fulton, Jonathan (2019). *China's Changing Role in the Middle East*. https://www.atlanticcouncil.org/wp-content/uploads/2019/06/Chinas_Changing_Role_in_the_Middle_East.pdf
- GCR Staff (2019). *China 'Pledges \$400Bn' to Develop Iran's Energy, Transport and Manufacturing Sectors*. GCR, September 6, <https://www.globalconstructionreview.com/news/china-develop-arctic-silk-road/>
- Gerriey, Paolo & Padoan, Carlo (1986). *Neomercantilism And International Economic Stability*. International Organization, 40, No.1.
- Gilpin, Robert (1987). *The Political Economy Of International Relations*. Princeton: Princeton University.
- Grygiel, Jakub J. (2006). *Great Powers And Geopolitical Change*. Baltimore: Johns Hopkins University Press.
- Henelito A. SEVILLA Jr. (2017). China's New Silk Route Initiative: Political and Economic Implications for the Middle East and Southeast Asia. *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies*, 11(1), 83-106.
- Holslag, J. (2011). The elusive axis: assessing the EU China strategic partnership. *Journal of Common Market Studies*. 49(2), 293-313.
- Jiechi, Y. (2019, February 17). *Full text of Yang Jiechi's keynote speech at the 55th Munich Security Conference*. Xinhua Net. http://www.xinhuanet.com/english/2019-02/17/c_137827311.htm
- Li, Quan & Ye, Min (2019). China's emerging partnership network: what, who, where, when and why, *International Trade, Politics and Development*, 3(2).
- Loft, Philip; Curtis, John & Ward, Matthew (26 August 2022). *China and the US in the Middle East: Iran and the Arab Gulf*, Commons Library Research Briefing, commonslibrary.parliament.uk.
- Maher, Richard (2016). The elusive EU-China strategic partnership. *International affairs*. 92(4), 959-976.
- N. N. (2014). China maintains with Brazil long-term and stable strategic partnership based on mutual benefit, Adress: https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/ziliao_665539/3602_665543/3604_665547/200011/t20001117_697843.html
- N. N. (2021). *Saudi imports from China up 17.8 percent in 2020 to \$28.1 billion*. Adress: <https://arab.news/8rt7t>
- Oatley, Thomas (2010). *International Political Economy: Interests and Institutions In The Global Economy*. Newyork: Longman, 4Th Edition, Official Website Of The French Presidency Of The G20 And G8: <http://www.G20-G8.com/G8-G20/English/Priorities-For-France/The-Priorities-Of-The-Frenchpresidency/Commodity-Volatility353HtmL>. Accessed on: 2011/8/19.
- Qin, Yaqing (2016). Guoji Zhengzhi Guanxi Lilun de Jige Jiading' (Assumptions of the Relational Theory of World Politics). *Shijie Jingji yu*

- Zhengzhi (*World Economics and Politics*). (10), 19-28.
- Rodrik, Dani (2010), *Mercantilism Reconsidered*. Project Syndicate. <http://www.project-syndicate.org/Commentary/Mercantilism/Reconsidered>.
- Sell, Friedrich L. (2000). *Chances and Risks Under Mercantilism in Interglobal Welt*. Mercantilismus And Globalisation.
- Shambaugh, D. (2014). *The Illusion of Chinese Power*, op-ed., Brookings Institute, Washington, DC, available at: www.brookings.edu/opinions/the-illusion-of-chinese-power/
- Tiezzi, Shannon (2021). *What's in the China-Iran Strategic Cooperation Agreement?*. The Diplomat, March 30, <https://thediplomat.com/2021/03/whats-in-the-china-iran-strategiccooperation-agreement/>
- Yame, Wang (2019). *China's direct investment in Egypt up 66 pct in first 3 quarters*. http://www.xinhuanet.com/english/2019-12/11/c_138621195.htm
- Yue, Shengsong (2018). *Towards a global partnership network*. *The Copenhagen Journal of Asian Studies*. 36(2). <http://rauli.cbs.dk/index.php/cjas/article/view/5647>.
- Zhong, Zhenming & Yang, Yanqi (2020). *Alliance Forging or Partnership Building? China's Policy in the Asia-Pacific under the Xi Administration*. *Italian Journal of International Affairs*, <https://www.tandfonline.com/loi/rspe20>. Pages 62-77 | Published online: 14 Feb 2020

